

صنایع بافت «داری» در عشایر قشقایی

شهرزاد دوستی*

چکیده

صنایع دستی تبلور عینی فرهنگ و مظاهر هنری و از انواع هنرهای کاربردی و مردمی است که خصوصیات تاریخی، اجتماعی و فرهنگی محل تولید خود را نشان می‌دهد و عامل مهمی در شناساندن فرهنگ و تمدن تلقی می‌گردد. در این میان صنایع دستی بانوان عشایر قشقایی را می‌توان فصل مشترک اقتصاد و فرهنگ دانست. بافته‌های بانوان عشایر قشقایی شامل، قالی، گلیم، گبه، مفرش، جل، جوال، دوره‌چین، سیاه‌چادر و... حاصل خلاقیت‌های ذهنی بافندگان و متأثر از اندیشه‌ها و رویاهای آنهاست. در مقاله حاضر گزیده‌ای از صنایع دستی عشایر قشقایی با هدف احیا و شناسایی این دست‌آفریده‌ها، برای استفاده برنامه‌سازان رسانه ملی در قالب‌هایی همچون مستند، اقتصادی، ترکیبی و نمایشی معرفی شده است.

کلیدواژه‌ها: عشایر قشقایی، صنایع دستی، صنایع دستی داری، قالی، گبه،

گلیم

* کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی و پژوهشگر واحد فرهنگ مردم مرکز تحقیقات
doosti43@gmail.com

مقدمه

در گستره ایران زمین، فرهنگ غنی، طبیعت زیبا و هنرهای فراوانی نهفته است. «هنر - صنعت بومی (صنایع دستی)»، از جمله آثار هنری مردم ایران است که شامل دست‌ساخته‌ها و ابداعاتی می‌شود که هنرمندان با کمترین سواد و ساده‌ترین امکانات، در نهایت زیبایی آنها را خلق می‌کنند.

زنان که نیمی از جمعیت کشورمان را شامل می‌شوند، حلقه اتصال فرهنگ، هنر و هویت، از گذشته تا امروز بوده‌اند. در این میان، زنان هنرمند و پرتلاش عشایری، نماد واقعی کار و تلاش ماندگار تلقی می‌شوند. آنان ضمن انجام امور جاری خانه، در تولید هنر - صنعت بومی و ملی نقش بسزایی ایفا می‌کنند. تولید صنایع هنری، در خوداشتغالی زنان، رونق صنایع دستی بومی، توسعه اقتصاد خانواده و جامعه و حفظ سبک زندگی بومی بسیار حایز اهمیت است.

جایگاه ویژه صنایع هنری در صنعت و فرهنگ جوامع، به اندازه‌ای است که یکی از روزهای سال را به این نام نامگذاری کرده‌اند. در ایران، روز بیستم خردادماه هر سال، روز جهانی صنایع دستی نامگذاری شده و دهه پایانی قرن بیستم از سوی سازمان ملل متحد، دهه توسعه فرهنگی نام گرفته است.

صنایع هنری، به عنوان یکی از نشانه‌های هویت ملی کشورها و حوزه مهم تلفیق هنر، صنعت و فرهنگ، در بستر تاریخ، یکی از حافظان ملی کشورها بوده است و در این میان، هنر^۱ صنعت بومی بانوان ایرانی که حاصل ذوق، هنر، سلیقه، ابتکار و خلاقیت سازندگان آنهاست، آداب، سنن و پیام فرهنگی نسل‌ها را در محصولات تولیدی خود متجلی می‌سازند. از دیگر ویژگی‌های این هنر ارزنده ملی، غیر وابسته بودن، امکان توسعه در تمامی مناطق عشایری،

صنایع بافت «داری» در عشایر قشقایی ❖ ۱۴۷

بی‌نیازی به کارشناس خارجی، دسترسی آسان به مواد اولیه و ابزار کار ساده و ارزان، ارزش افزوده بالا، بی‌نیازی به سرمایه‌گذاری هنگفت، نداشتن آثار مخرب زیست‌محیطی، ایجاد درآمد مکمل، قدرت اشتغال‌زایی و... است که می‌تواند زمینه‌های رشد و اعتلای این هنر^۵ صنعت را فراهم آورد. تولیدات صنایع هنری بومی زنان، در صادرات کشور نیز نقش عمده‌ای را ایفا می‌کند؛ صادراتی که منافع اقتصادی بومی و ملی را در پی دارد.

صنایع دستی یکی از شاخص‌ترین هنرهای کاربردی جامعه عشایری و از آن جمله، عشایر قشقایی است. همه مراحل تولید دست‌بافته‌های عشایر قشقایی از قالی و قالیچه گرفته تا گلیم و گبه و دوره چین و سوزنی و... بر عهده دختران و مادران ایل است. آنان پس از شستن و ریسیدن پشم و رنگ کردن نخ‌ها با رنگ‌های گیاهی و گاه شیمیایی، تاروپود را بر پایه‌های دار بافندگی استوار می‌کنند و پس از انتخاب طرح و نقش و نگاره‌ها، به بافتن و گره زدن می‌پردازند.

مقاله حاضر برگرفته از پژوهش «قابلیت مستندسازی دست‌آفریده‌های هنر بومی ایرانی» است که با داده‌های اسنادی و کتابخانه‌ای و به روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است. این مقاله درصدد است تا صنایع بافت داری را در میان زنان عشایر قشقایی بررسی کند.

تاریخچه اجتماعی و فرهنگی ایل قشقایی

ریشه لغوی لفظ قشقایی مبهم است و روشن نیست که از واژه ترکی «قاچ قایی» به معنای «گریخته» گرفته شده یا از «قاشقه» که در زبان ترکی به معنای «اسب پیشانی سفید» یا «خال سفید پیشانی اسب» است. شاید هم از واژه

«کاشغر» گرفته شده که به روایت «تاریخ مسعودی» گروهی از قراتاتارها در زمان حکومت سلجوقیان در آن شهر اقامت گزیدند و بیست هزار تن از آنان به همراه سعدبن زنگی به فارس آمدند؛ می توان فرض کرد کاشغری به مرور زمان به «قشقری» و سپس به قشقایی تبدیل شده است. (پرهام، ۱۳۶۴: ۶۴)

هویت ایل قشقایی در اواخر عصر صفوی امکان بروز یافت و پس از آن رژیم پهلوی آنان را وادار به اسکان و یک‌جانشینی کرد.

در میان تمام قبایل جنوبی، قشقایی‌ها به دلیل کیفیت رنگ‌آمیزی دست‌بافته‌های خود شهرت بسیار دارند. قشقایی‌ها نیز همانند بختیاری‌ها، لرها و دیگر قبایل ایران، به دستور رضاشاه کوچ‌های سستی خود را کنار گذاشتند و این امر صدمات بسیاری به آنان وارد کرد. (هال و ویووسکا، ۱۳۷۷: ۲۴۰-۲۳۹)

اساس و شالوده اقتصادی و اجتماعی ایل قشقایی بر دامداری و اقتصاد شبانی نهاده شده است. واحد اساس ساختمان اجتماعی ایل قشقایی خانواده یا «بیله» است (پیمان، ۱۳۴۷: ۱۵). خانواده نیز به مجموعه کسانی اطلاق می‌شود که زیر یک سیاه‌چادر، که همه اسباب زندگی در آن جمع شده است، به سر می‌برند. خانواده قشقایی محدود به زن و شوهر و فرزندان نیست و همه کسانی که به لحاظ پیوندها، علایق و مسئولیت‌های متقابل اقتصادی - که مبتنی بر اصل تقسیم کار و تلاش مشترک و همکاری برای برآوردن نیازهای مادی خانواده است - در کنار هم زندگی می‌کنند، عضو خانواده به شمار می‌آیند. (پرهام، پیشین: ۷۶-۷۵)

مرکز اصلی این ایل استان فارس است. اما به دلیل وسعت اراضی و قلمرو، در دیگر استان‌ها نیز سکونت دارند. از جمله می‌توان به استان‌های

صنایع بافت «داری» در عشایر قشقایی ❖ ۱۴۹

کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری (جونقان، بلداجی، بروجن، سامان، شهرکیان، طاقانک)، خوزستان (هفتگل)، اصفهان (قسمت‌هایی از سمیرم، شهرضا، دهاقان، فریدن، بخش‌های مختلف شهرستان لنجان و بویژه بخش مرکزی این شهرستان در اطراف زرین شهر، بیستگان، باباشیخعلی و چم‌ها)، قم، مرکزی و بوشهر (دشتستان و دشتی) اشاره کرد.

در یک تقسیم‌بندی به نسبت کلی، ایل به این طوایف تقسیم می‌شود: طایفه دره‌شوری، طایفه کشکولی، طایفه فارسیمدان، طایفه شش‌بلوکی، طایفه عمله، طایفه کشکولی کوچک، طایفه قراچه‌ای، طایفه صفی‌خانی، طایفه جعفربیگلو، طایفه نمدی، طایفه ایگدر و طایفه رحیمی. (پایگاه اطلاع‌رسانی جمعیت جوانان ایل قشقایی)

نقش صنایع دستی در اقتصاد کوچ‌نشینان قشقایی

یکی از سازوکارهای اقتصادی عشایر ایران، صنایع دستی است که به عنوان نوعی فعالیت تولیدی مکمل و جدا نشدنی، در اقتصاد و زندگی کوچ‌نشینان ریشه دوانده است. صنایع دستی عشایر دو جنبه دارد: خودمصرفی و صادراتی. صنایع دستی یکی از منابع اصلی درآمد ایل قشقایی نیز به شمار می‌رود. در ایل قشقایی، فعالیت‌های دامداری و کشاورزی در رده اول و دوم قرار دارد و نساجی و فروش محصولات دستی بویژه قالیچه، گلیم، جاجیم و چادرسیاه، رده سوم اقتصادی را به خود اختصاص می‌دهد. در خصوص اهمیت اقتصادی و سابقه تولید منسوجات در ایل قشقایی چند نکته درخور تأمل است:

- مطالعات اجتماعی و فرهنگی در تاریخچه دستبافته‌های ایران نشان می‌دهد که قدیمی‌ترین و باارزش‌ترین منسوجات ایران به دست ایل قشقایی در فارس تهیه شده است.

- بافت قالی و سایر صنایع دستی از مشاغل زنان و دختران قشقایی است و برای مردان چندان پسندیده نیست.

- طرح و نقشه دست‌باف‌های عشایر قشقایی به طور کلی الهام گرفته از محیط جغرافیایی و طبیعی، سابقه فرهنگی و تاریخی ایل بوده است؛ مانند نقش حیوانات، مناظر طبیعی، گیاهان و ابنیه تاریخی.

انواع محصولات تولیدی در بین عشایر قشقایی در وهله اول، با نیاز خانوار و سپس، با تحولات اقتصادی و نیاز بازارهای مصرف در ناحیه، ارتباط مستحکم دارد. بر حسب اهمیت و ارزش اقتصادی، تولیدات آنها به چند دسته تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: قالی، قالیچه، گلیم و جاجیم، چادرسیاه، پلاس، ورنی، خورجین، توبره، کیف، روپشتی‌های گلداز زیتنی، کلاه پشمی، جوراب و ...

بافته‌های داری به محصولاتی می‌گویند که به کمک چارچوبی به نام دار بافته می‌شوند. این دار از جنس فلز یا چوب یا چوب و فلز است و به شکل افقی یا عمودی در زمین قرار دارد.

قالی، مفرش، بلددان، جوال، خورجین، گبه، گلیم، رند، دوره چین‌بافی، نمکدان، جل اسب، آبی‌بافی و غیره در زمره بافته‌های داری هستند که به همه آنها واژه فرش نیز اطلاق می‌شود؛ همچنان‌که با نام زیراندازهای سنتی نیز می‌توان از آنها یاد کرد. (رشیدی در پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی)

۱. قالی

قالی، کامل‌ترین زیرانداز از نظر طرح، نقشه و شیوه بافت است. در حقیقت، قالی مجموعه‌ای از هزاران گره است که در رج‌های موازی یا چله دسته می‌شوند. (حسینی، ۱۳۸۷: ۶۵)

قالی بافی پیشه و هنری است که در میان دختران و زنان ایل قشقایی مرسوم است و بیشتر برای استفاده‌های شخصی و یا به عنوان جهیزیه به آن پرداخته می‌شود. به همین دلیل، قالی‌ها کمتر در معرض خرید و فروش قرار می‌گیرند. بافندگی قشقایی‌ها مانند سایر عشایر بر روی زمین و بر روی دارهای افقی صورت می‌گیرد و فرش‌های قشقایی به طور معمول به‌طریق «ذهنی» بافته می‌شوند. از این رو اغلب هیچ دو فرشی کاملاً و عیناً شبیه یکدیگر نیستند. بافندگان تازه‌کار از سرمشق‌هایی کمک می‌گیرند که «حور» (hur) (طرح و نقشه) نامیده می‌شود. بافندگان قشقایی این سرمشق‌ها را که یک یک نقشمایه‌ها و نگاره‌های اصلی بر آنها بافته شده است، «دستور» می‌نامند. رنگ قالی‌های قشقایی کاملاً به سلیقه و خواست بافنده ارتباط دارد. قالی‌های فارس در اغلب موارد نرم و تا اندازه‌ای ظریف و نازک هستند. گره در قالی‌های فارس، هم به صورت متقارن (ترکی) و هم به صورت نامتقارن (فارسی) کاربرد دارد. (حسن بیگی، ۱۳۶۵: ۳۰۳-۳۰۱)

قشقایی‌ها برای بافت قالیچه‌های بسیار ریزبافت از تار و پود نخی و به‌ندرت از پود ابریشم استفاده می‌کردند، چون پشم را نمی‌شود به باریکی نخ و ابریشم بافت. اما در سال‌های اخیر، کمبود پشم دست‌ریس و کاربرد کلاف‌های کارخانه‌ای موجب شده است که هم تار (چله) و هم پود، بیشتر از نخ باشد و فرش‌های قشقایی نوبافته تمام‌پشم بسیار کمیاب شود. (پرهام، ۱۳۶۴: ۶۳)

زیبایی نقش‌ها، خوشایندی طرح‌ها، ظرافت گره‌ها، چشمگیری و پایداری رنگ‌ها و خلاقیت بافندگان، قالی قشقایی را صدرنشین هنرهای سنتی کرده است. فرش‌های ایل قشقایی و نقش و نگاره‌های اختصاصی آن، گاه با

سبک‌های خاص غیر ایلی در آمیخته‌اند و بافندگان آنها به ابداع و نوآوری روی آورده‌اند. نامورترین بافندگان طوایف قشقایی، کشکولی‌ها هستند که دستبافته‌های گره بافته خوابدار را عموماً به خوبی از کار درمی‌آورند. زنان ایگدر نیز قالیچه‌های گره‌بافته عالی و ظریفی ارائه داده‌اند که وسعت دامنه رنگ‌آمیزی گیاهی آنها اعجاب‌آور است. در طایفه شش‌بلوکی که بزرگ‌ترین طایفه بافنده ایل قشقایی است، برخی از ممتازترین گره‌بافته‌ها به چشم می‌خورد.

رنگبندی فرش‌های قشقایی شامل طلایی فاخر و سبزه‌های خرم، سرخ‌های آتشین، آبی فیروزه‌ای، سفید، سرمه‌ای، قهوه‌ای، قهوه‌ای بنفش فام، بنفش خالص، یاقوتی و... می‌شود که با بهره‌گیری از مواد رنگزایی همچون روناس، نیل، گندل، پرک، خوشک و استفاده از دندان‌هایی نظیر زاج سفید، سیاه و یا سبز به دست می‌آیند. (همان: ۵۶-۵۷)

ویژگی‌های طرح و نقش‌های متداول قالی قشقایی، به دو گروه متمایز تقسیم می‌شوند؛ طرح‌ها و نقش و نگاره‌های سنتی عشایری منظم و پیوسته که از رایج‌ترین نقش‌های دیگر این گروه، ماهی درهم، بته‌ای، گیاهی و افشان است. طرح ناظم، مخصوص کشکولی‌هاست و قالیچه ناظم غیر کشکولی، دیده نشده است. نقش ماهی درهم را کشکولی‌ها فراوان به کار می‌برند، اما تیره بولی، نقش دیگری جز این به کار نمی‌برد و دست کم، از یکصد و پنجاه سال پیش به این طرف، به این نقش، وفادار مانده‌اند.

از نقش‌های خاص، باید به نقش «وزیر مخصوص» اشاره کرد که به نسبت جدید است و بیش از نود سال ندارد؛ این نقش گه‌گاه، به دست زنان کشکولی بافته می‌شود. همچنین است نقش‌های معروف به عکسی که نمونه‌های آن در

صنایع بافت «داری» در عشایر قشقایی ❖ ۱۵۳

سنت قالی‌بافی قشقایی به ندرت دیده می‌شود و منحصر به قالیچه‌های تخت جمشیدی و آدمکی است.

بارزترین نگاره‌هایی که در قالی‌های قشقایی به چشم می‌خورند، عبارت‌اند از: نگاره‌های حاشیه؛ مانند شبکه، زنجیره، شطرنجی، چهارپر، مرغ، شاه‌پسند، شمه‌لا، آینه‌بند و ایلاتک. نگاره‌های متن؛ مانند شان، نخل، خراسانی، گل هشت‌پر، چلیپا، گردونه خورشید، ماهی، درنا، چرخ فلک، مرغ، ستاره، گل نیلوفر، بته قبادخانی، درخت و پرند، آهو، طاووس، شیر، شاپرک، گل شش‌پر، گل ترمه، گل آفتابگردان، جام و شطرنج. نقش‌های معروف قالی قشقایی نیز که بر اساس نام طایفه بافنده نامگذاری شده‌اند، عبارت‌اند از: هیئت‌لو، عرب‌چرپانلو، کوهی، دوقرلو از طایفه شش‌بلوکی، بولی، آردکپان، صفی‌خانی، رحیم‌لو و ایگدر از طایفه عمله. (نک: پرهام، ۱۳۶۴)

۲. مفرش

این بافته که «مفرج» و «خوابگاه» هم خوانده می‌شود محفظه بزرگی است



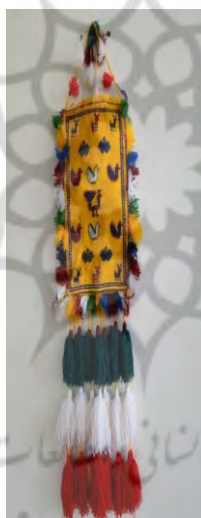
که طرح و ابعاد آن همانند صندوق‌های چوبی شهری است و مصارفی همانند صندوق دارد. این دست‌بافته به شکل مکعب مستطیل است و سطوح آن، ابتدا بافته و سپس به هم دوخته می‌شود. از مفرش برای

نگهداری رختخواب، البسه و لوازم ضروری استفاده می‌شود. در هنگام کوچ،

وسیله بسیار مناسبی برای قرار دادن و حمل و نقل وسایل مختلف است و از آن به عنوان تکیه‌گاه نیز استفاده می‌کنند. علاوه بر آن، مفرش بخشی از تزئین یا دکور خانه هم به حساب می‌آید (حسینی، ۱۳۸۷: ۸۵). تار مفرش از نخ، پود آن از پشم و رنگ‌های به کار رفته در آن، بیشتر قرمز، سورمه‌ای و آبی است. (رشیدی در پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی)

۳. بله‌دان (baledân)

بله‌دان نوعی چتته یا توبره است که عشایر قشقایی از آن برای نگهداری



سیخ، انبر، تیر نان‌پزی و نظایر آن استفاده می‌کنند. این نوع چتته که به شیوه جوال و خورجین و از نخ‌های رنگی پشمی بافته می‌شود ۴۰ تا ۶۰ سانتیمتر طول و ۲۰ تا ۳۰ سانتی متر عرض دارد. برای این نوع چتته، دسته بلندی از نخ‌های خود چتته تعبیه می‌کنند که به طور مقاومی در هم بافته شده و از آن برای بستن

بله‌دان به تیرک سیاه چادر استفاده می‌شود. (استوار در پایگاه اطلاع‌رسانی قشقایی دیلی)

۴. جوال

جوال نوعی کیسه بافتنی است که عشایر قشقایی از آن برای حمل گندم، آرد، جو و نظایر آن استفاده می‌کنند. این کیسه به دو صورت تکی و دوتایی به هم بافته تهیه می‌شود. از جوال برای استفاده در تزئین نمای داخلی سیاه‌چادر نیز استفاده می‌کنند؛ به این صورت که جوال‌های حاوی گندم، آرد یا حتی کاه را به صورت عمودی کنار هم می‌چینند تا چینش فرش‌های تزئینی رنگارنگ و زیبای عشایری نظیر گلیم‌ها و جاجیم‌ها از سطح زمین بالاتر قرار گیرد و نمای زیباتری به خود بگیرد. روی این جوال‌ها رختخواب‌پیچ‌ها را قرار می‌دهند و سپس گلیم‌ها و جاجیم‌ها را به صورتی زیبا و یکسان با تناسب رنگ و سلیقه تا می‌کنند؛ روی آن نیز بالش‌هایی استوانه‌ای را که با پر مرغ و سایر پرندگان پر شده، قرار می‌دهند و سپس از متکاهای کم‌عرض‌تر برای روی این بالش‌ها استفاده می‌کنند. (همان)

۵. خورجین

خورجین دست‌بافته‌ای است که از پشم‌های رنگی، نخ پنبه‌ای و گاه موی بز در اکثر مناطق روستایی و عشایری بافته می‌شود و عرض آن بین سی تا نود سانتیمتر است و بیشتر در حمل و نقل‌ها برای مثال، پشت دوچرخه یا چهارپایان کاربرد دارد. خورجین پوششی است که جنبه‌های زیباشناختی و اعتقادی بافندگان در نقوش و بافت آن تجلی می‌یابد. خورجین، حکم صندوقچه‌ای را دارد که با اتصال بندیک‌های آن به یکدیگر و زدن قفل به آخرین بندیک، در آن به طور کامل بسته می‌شود و قابل حمل بر روی چهارپایان است. به طور معمول، برای بافت خورجین از نقوش هندسی

استفاده می‌شود. لبه‌های دو طرف کیسه‌های خورجین پس از دوخت با موی بز، شیرازه‌دوزی می‌شود. تار خورجین از نخ پنبه و پود آن در قسمت‌های مختلف از پشم است. در طرح کلی بافت آن، از چند فن مختلف استفاده می‌شود و شبیه به قطعه کف‌پوشی است که یک قسمت آن (روی هر طرف) دارای بافت رندی (رندی‌بافت) و قسمت دیگر آن (پشت هر طرف) دارای بافت ساده است. قسمتی دیگر نیز با فن «گندی‌بافت» مانند



قالی بافته می‌شود؛ این قسمت در پایین و در گوشه‌های خورجین قرار می‌گیرد تا به هنگام کوچ در ایل و در برخورد با سنگ‌های کوهستان مقاومت بیشتری داشته باشد. اندازه خورجین پس از دوخت به حدود یک متر در هفتاد سانتیمتر می‌رسد. (حسینی، ۱۳۸۷: ۸۳)

۶. گبه

گبه نوعی فرش و بافته داری، گره‌دار، تمام‌پشمی و ذهنی‌بافت است که می‌تواند خودرنگ (بدون رنگ‌رزی) یا رنگی باشد. نکته دیگر آنکه گبه با پرزهای بلند و طرح‌های هندسی یا شکسته مشخص می‌شود. ویژگی مهم گبه، به طراحی و نقش‌پردازی آن مربوط می‌شود که زن بافنده با بهره‌گیری از احساسات و تخیل خود و با آزادی کامل و بدون قید و بند، نقش‌های متفاوتی را بر روی بافته‌ها پدید می‌آورد، برخی گبه‌ها که به «گبه شیری» هم

صنایع بافت «داری» در عشایر قشقایی ❖ ۱۵۷

معروف‌اند، با نقش شیر بافته می‌شوند. ابزار و وسایل کار گبه‌بافی، همان وسایل کار قالیبافی است و گبه به دلیل درشت‌بافت بودن در واقع «فرش زیرپا»



نام گرفته است؛ هر چند زیبایی، جلوه و جایگاه ویژه خود را دارد (یاوری و فروهر، ۱۳۸۰: ۸۸-۸۷). اسکلت اصلی گبه تاروپود است. در گبه از پود زیاد در هر رج استفاده می‌شود و آن را بیشتر به روش

«فارسی‌بافت» می‌بافند اما روش «ترکی‌بافت» گبه را هم در بین ایلات و عشایر به‌ندرت می‌توان مشاهده کرد. گبه‌ها بر روی دارهای افقی (زمینی) بافته می‌شوند و گبه‌های مرغوب از جنس پشم بهار هستند. (حسینی، ۱۳۸۷: ۷۴) بیشتر طرح‌های مورد استفاده در گبه، ذهنی، هندسی و الهام گرفته از طبیعت و محیط پیرامون هستند. مهم‌ترین طرح و نقشه گبه‌های عشایر قشقایی عبارت‌اند از: شیری، خشتی، حوض گبه، گل گبه، ایلاتی، درختی، هندسی، ابرش (دو رنگ)، چهار فصل و اردک. (پرهام، ۱۳۶۴: ۲۹۱-۲۹۰)

۷. گلیم

گلیم، بافته‌ای است داری و بدون پرز که با نخ پشمی، پنبه‌ای یا کنفی و با درگیری تار و پود بافته می‌شود. به این ترتیب که از نخ پنبه‌ای به عنوان تار و از نخ پشمی رنگارنگ به عنوان پود استفاده می‌کنند. در گلیم‌بافی، نقشه کاربرد

چندانی ندارد. گلیم‌های هر منطقه طرح و رنگ ویژه‌ای دارند که با توجه به آن، از بافته‌های مناطق دیگر مجزا می‌شوند. (حسینی، ۱۳۸۷: ۵۶)

گلیم قشقایی شاهکاری از هنرمندی زنانی است که به تنهایی، چیدن پشم، ریسندگی، رنگ‌آمیزی و چله‌کشی را بر عهده دارند و پس از آن به بافت گلیم می‌پردازند. گلیم‌های اصیل قشقایی از پشم صددرصد خالص بافته شده‌اند. قطر الیاف آنها بسیار نازک و خامه مصرفی‌شان بسیار ظریف است. ثبات رنگ عاملی است که موجب شهرت گلیم قشقایی شده است. از دیگر عواملی که گلیم قشقایی را سرآمد گلیم‌های جهان کرده، فشردگی و ریزه‌کاری‌های آن است.

زنان قشقایی برای بافت گلیم به طور معمول از نقشه استفاده نمی‌کنند. نقشه‌ها ذهنی هستند و اغلب از طرح‌هایی استفاده می‌شود که از نسل‌های گذشته به حال انتقال یافته‌اند. تغییرات جزئی نیز در همان چارچوب آداب و رسوم موجود در منطقه است. البته در سال‌های اخیر با راه یافتن گلیم‌بافی به مناطق شهری و روستایی، استفاده از نقشه تا حدودی در گلیم‌بافی رایج شده است.

مراکز تولید گلیم در استان فارس منطقه فیروزآباد، ممسنی و داراب است. (یاوری و فروهر، ۱۳۷۸: ۶۱)

۸. رند (rand)

رند، نوعی گلیم بسیار ریزبافت منطقه فارس است که به آن «سوزنی» هم می‌گویند. شیوه بافت آن به طریق پودپیچی است. با این شیوه که مانند سایر بافته‌های ایلی بر روی دار افقی بافته می‌شود، به دلیل پودپیچی به دور تارها،

صنایع بافت «داری» در عشایر قشقایی ❖ ۱۵۹

استفاده از پود نازک و قطع نکردن پودهای اضافی، بافته‌ای یک رو و درشت‌کار به دست می‌آید که می‌توان پودهای اضافی آن را دید. رنگ این نوع بافته به طور معمول تیره - روشن است و نقوش آن نیز مانند همان نقوشی است که در قالی و گلیم به کار می‌رود. (رشدی در پایگاه اطلاع‌رسانی فیروزآباد)

۹. دوره چین‌بافی (وارونه‌بافی)

چله‌کشی این دست‌بافته مانند گلیم است و به روش پودپیچی بافته می‌شود ولی برعکس رندبافی، به جای آنکه پودها از روی دو جفت تار پیچیده شوند، بافته به وسیله آینه‌ای که در زیر قرار می‌دهد، آنها را از زیر یک جفت تار می‌پیچد. به همین دلیل به آن وارونه‌چین‌بافی نیز می‌گویند. نقوش ایجاد شده، بسیار ظریف، دارای طرح هندسی و شبیه به پشت قالی هستند. در این بافت از انواع الیاف پشمی و الوان نیز استفاده می‌شود. (پایگاه اطلاع‌رسانی بیتوته)

۱۰. نمکدان یا دوز توربا (duz turbâ)

نمکدان دست‌بافته‌ای است مرکب از سه روش ساده، رندی و گندی (بافت گره‌ای) در ابعاد ۶۰×۴۰ سانتیمتر که ایلات و عشایر برای نگهداری یا حمل و نقل نمک درشت یا ساییده از آن استفاده می‌کنند. در قسمت رویه آن، از تکنیک قالی و در قسمت پشت آن، از تکنیک گلیم‌بافی استفاده می‌شود. تاروپود مابین رج‌های رندی‌بافت و گندی‌بافت از جنس پنبه و بافت قسمت رندی و گندی پشمی است. روی نمکدان رندی‌بافت و قسمت پایینی آن، سه تا پنج سانتیمتر به سبب سایش کمتر ته

نمکدان، گندی بافت است. پشت نمکدان نیز بافت ساده دارد. دو طرف نمکدان با موی بز بافته می شود و روی شانها، تارهای اضافی دسته دسته به هم می پیچند و به صورت منگوله یا گیس بافی شده تزیین می شوند. برای آستر آن نیز از پارچه متقال استفاده می کنند. (حسینی، ۱۳۸۷: ۸۵)

۱۱. جُل اسب

جُل، دست بافته ای است که به منظور تزیین اسب و شتر تهیه می شود. جُل اسب، هم نقش گرم نگاهداشتن و عرق گیر اسب را دارد و هم جنبه تزیینی و تشریفاتی. اما در مورد شتر، تنها جنبه تزیینی دارد.

بدنه اصلی جُل، مستطیلی است که دو دستک به آن وصل شده و این دستکها، پشت اسب را می پوشانند. جُل شتر بزرگتر از جُل اسب است و با دو قطعه پارچه به یکدیگر دوخته می شود تا کوهان شتر از آن بیرون بماند. به طور کلی، در بیشتر مناطق ایران، جُل اسب و شتر را با اشکال و تزیینات گوناگون و به



صورت گلیم، قالی و سوزنی تهیه می کنند. (همان: ۸۳)

۱۲. ایی (oyi) بافی یا دولایه بافی

الیاف مورد استفاده آن، پشم الوان است و به صورت دولایه و دورو تولید می گردد. این بافته ای است تارنما که با انتخاب تارهای تیره در رو و پشت کار

صنایع بافت «داری» در عشایر قشقایی ❖ ۱۶۱

به صورت دو لایه بافته می‌شود و فقط در قسمت نقش‌ها، اولین و آخرین قسمت عرض بافته‌شده را، به هم متصل می‌کنند. انواع طرح‌های هندسی حیوانی، گیاهی و انتزاعی در این بافته به چشم می‌خورد. (پایگاه اطلاع‌رسانی عشایر فارس)

۱۳. چنته (čanteh)

چنته یا آینه‌دان وسیله‌ای برای حمل وسایل شخصی است. جذابیت چنته در سادگی و صفای بافندگان و ناشی از به کارگیری نقوش و نمادهایی است که یا ریشه در تمدن کهن سرزمین پهناور ایران دارند یا ملهم از محیط زندگی طبیعی آنان هستند. (همایون پور، ۱۳۸۳: ۴۱)



چنته (خورجینک یا خورجینه) توشه‌دان کوچک دست‌بافتنی است که از خورجین کوچک‌تر باشد. این بافته، در اغلب موارد دو لنگه نیست و یک واحد مستقل است؛ خواه بند گردن‌آویز داشته باشد خواه مانند خورجین دارای

قفل و کلید و بند و جابند باشد (پرهام، ۱۳۶۴: ۳). دختران و زنان عشایر، پس از پشم‌ریسی و رنگ‌آمیزی پشم‌ها با مواد طبیعی (روناس، پوست انار، گردو، برگ مو و...) با الهام از انواع نقش و نگارهای سنتی هر چه را که می‌خواهند، می‌بافند (همایون‌پور، ۱۳۸۳: ۱۷). تعدادی از نقشمایه‌هایی که بانوان هنرمند قشقای در چتته‌های خود به کار می‌گیرند، عبارت‌اند از: طاووس، بته‌جقه، گردونه خورشید، قوچ، پرنده، گل هشت‌پر، نقش زیگزاگی، آب، چلیپا، گل شقایق، بوته‌های صحرائی و... (ریاضی، ۱۳۷۵: ۱۲۶)

جمع‌بندی

صنایع دستی در شکل اصیل خود، فناوری وارداتی ندارد و مبتنی بر تخصص‌های بومی و سنتی است. قسمت اعظم مواد اولیه و ملزومات مصرفی این صنایع، در داخل جوامع و حتی در محل تولید، تأمین می‌شود و به این ترتیب می‌تواند به خودکفایی اقتصادی کمک کند. صنایع دستی، ویژگی‌های ارزنده دیگری هم دارد که عبارت‌اند از قابلیت ایجاد و توسعه در مناطق شهری، روستایی و عشایری، نداشتن آثار مخرب زیست‌محیطی و ایجاد درآمد مکمل برای تمامی اقشار و گروه‌های سنی.

جامعه عشایر ایران، به عنوان یکی از جوامع تأثیرگذار در فرهنگ و هنر کشور، جاذبه‌های هنری بسیاری در صنایع دستی دارد. قالبیافی، گلیم‌بافی، گبه، سیاه‌چادرها و... حاصل فکر، اندیشه و خلاقیت زنان و مردان عشایر است که علاوه بر نمایش نمادهای هویتی و فرهنگی جنبه اقتصادی نیز دارد. بازنمایی این عناصر فرهنگی از رسانه ملی می‌تواند به احیا و ماندگاری آنها کمک کند و دستمایه تولید برنامه‌های مخاطب‌پسند برای رسانه شود.

منابع

الف) کتاب

۱. پرهام، سیروس و سیاوش آزادی (۱۳۶۴). دست‌بافته‌های عشایری و روستایی فارس. ج ۱، تهران: امیرکبیر.
۲. پیمان، حبیب‌الله (۱۳۴۷). ایل قشقایی. تهران: انستیتو تحقیقات بهداشتی شهبازی.
۳. حسن‌بیگی، م (۱۳۶۵). مروری بر صنایع‌دستی ایران. تهران: چاپخانه صنوبر.
۴. حسینی، سیدحبیب (۱۳۸۷). دایره‌المعارف عمومی. ج ۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵. ریاضی، محمدرضا (۱۳۷۵). فرهنگ مصور اصطلاحات هنر ایران. تهران: دانشگاه الزهرا.
۶. هال، الستر و ویووسکا جوزه لوچیک (۱۳۷۷). گلیم، تاریخچه (طرح بافت و شناسایی). ترجمه شیرین همایون‌فر و نیلوفر الفت شایان. تهران: ایران مصور.
۷. همایون‌پور، پرویز (۱۳۸۳). زن عشایری و چننه. تهران: چشمه.
۸. یآوری، حسین و نورماه فروهر (۱۳۸۰). نگرشی بر تحولات صنایع‌دستی در جهان. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری.

ب) تارنمای مجازی

«پیشینه تاریخی ایل قشقایی» در پایگاه اطلاع‌رسانی جمعیت جوانان ایل قشقایی:

رشیدی، «صنایع دستی فیروزآباد (قشقایها)» در پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان میراث فرهنگی:

www.firoozabad/blogfa.com

«دست‌بافته‌های قشقای» در پایگاه اطلاع‌رسانی قشقای دلی:

<http://qashqaidili.blogfa.com/category/>

«صنایع دستی» در پایگاه اطلاع‌رسانی عشایر فارس:

www.ashfars.ir

«دوره چین‌بافی» در پایگاه اطلاع‌رسانی بیتوته:

www.beytoote

